

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حدیث ثقلین
حدیث ثقلین

جناب غریب و سیدعباس

جناب غریب::

[p://www.aftabir.com/articles/view/religion/religion/c7c1259755043_ghoran_p1.php/%D8%A2%D8%AF%D8%A7%D8%A8-%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%88%D8%AA-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D9%85%D8%AC%DB%8C%D8%AF](http://www.aftabir.com/articles/view/religion/religion/c7c1259755043_ghoran_p1.php/%D8%A2%D8%AF%D8%A7%D8%A8-%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%88%D8%AA-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D9%85%D8%AC%DB%8C%D8%AF)

اگر شما دنبال پاسخ هستید لینک برای تان گذاشتم برید مطالعه کنید واین فرموده رسول الله را بیابید((که فرمودند کتاب الله و سنتی))

برادر سید عباس::

برادر عزیزم مشکل اینجا هست که شما احادیثی را آورده اید که علمای شما هم می گویند کذب و دروغ و جعلی هست

إنه قد صرح غیر واحد من رواة هذا الخبر بغرابته ، قال الحاكم : ذكر الاعتصام بالسنة في هذه الخطبة غریب .

المستدرک : ۱ / ۹۳ .

خطبه کتاب الله و سنت غریب هست و قابل پذیرش نیست

این سخن را می دانید چه کسی می گوید؟ این سخن را حاکم نیشابوری که ذهبی از او به عنوان امام المحدثین یاد می کند می گوید روایت تمسک به قران و سنت ضعیف هست و باطل اما آنچه که صحیح هست را می گوید کتاب الله و عترتی هست و وقتی به حدیث کتاب الله و عترتی می رسد می گوید هذا صحیح علی شرط الشیخین بنابر شروط بخاری و مسلم صحیح هست ((ر.ک مستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۰۹)) من از شما درخواست دارم روایتی را که پیغمبر می فرماید کتاب الله و سنتی را بیاورید تا با هم بحث کنیم ضمن اینکه در لینک مورد نظر شما در مورد ثقلین بحثی به میان نیاورده لیکن از حضرت عالی تقاضای اجزانه دارم دستاورد های خودتان را به میدان مناظره بیاورید تا با هم گفته گوی دوستانه داشته باشیم

جناب غریب::

اهل سنت در اثبات عقاید و آئین های خود، بر سنت امام اهل بیت و پیشوای جهانیان محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - اعتماد و تکیه می کنند، آیا اهل سنت به خاطر اینکه فقط به پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - تکیه می جویند و از ایشان پیروی می نمایند قابل ملامت هستند؟!.

برادر سید عباس::

برادر عزیزم اینک شما پیرو چه کسی هستید و چه هستید برای ما محترم هست اما اینکه فرمودید پیرو رسول الله هستید ما به شما تبریک می گویم اما همین رسول الله می فرماید بعد از من به اهل بیت تمسک کنید آیا شما در این امر هم پیرو رسول الله هستید یا نه؟ اگر اره چرا شما خلفای ثلاثه را جای اهل بیت قرار داده اید؟ و اگر نه پس چرا ادعا دارید که پیرو رسول خدا هستید؟ برادرم والله قصد توهین ندارم می خواهیم با هم بحث علمی کنیم همین

جناب غریب::

خواننده محترم بدان که معروف است که شیعه از این حدیث استدلال می کنند و خیلی آنرا تکرار می نمایند، تا جایی که بعضی از اهل سنت فکر می کنند آنها درست می گویند، اما همه اشتباه می کنند به دو دلیل :

اول اینکه مراد از عترت که در حدیث آمده بیشتر و گسترده تر از چیزی است که شیعه مراد می گیرند، و اهل سنت آن را رد نمی کند بلکه به آن تمسک بسته اند، عترت یعنی اهل بیت پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - و این در بعضی از طرق حدیث توضیح داده شده است، مانند حدیث مورد نظر که در آن آمده (و عترتی اهل بیته) و عترتم یعنی اهل بیت، و اهل بیت پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - زانش می باشند که از زمره ی آنها عائشه صدیقه - رضی الله عنها - می باشد، چنان که خداوند متعال به صراحت در سوره ی احزاب به این اشاره می نماید که اهل بیت پیامبر زانش هستند، و می فرماید: {يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۳۲)}

[الأحزاب: ۳۲].

«ای زنان پیغمبر شما مانند دیگر زنان نیستید اگر خدا ترس و پرهیزگار باشید پس زنهار نازک و نرم سخن نگویید مبادا آنکه دلش بیمار است به طمع افتد و درو ست سخن گویند.» دلیل اینکه منظور از اهل بیت در این آیه همسران پیامبر هستند آیه ی قبل و بعد این آیه است که می فرماید: {يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۳۲) وَقُرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۳۳) وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (۳۴)}

[الأحزاب: ۳۲ - ۳۴].

«ای زنان پیغمبر شما مانند دیگر زنان نیستید اگر خدا ترس و پرهیزگار باشید پس زنهار نازک و نرم سخن نگویید مبادا آنکه دلش بیمار است به طمع افتد و درست سخن گویند و در خانه هایتان بنشینید و آرام گیرید و مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خود آرایی مکنید و نماز بپا دارید و زکات مال به فقیران بدهید و از امر خدا و رسول اطاعت کنید خدا چنین می خواهد که رجس هر آرایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزه گرداند. و از آنهمه حکمت و آیات الهی که در خانه های شما تلاوت می شود متذکر شوید و پند گیرید و همانا خدا را بخلق لطف و مهربانی است و آگاه است.» و شیعه کلمه ی اهل بیت

را که در این آیه آمده مختص علی و فاطمه و حسن و حسین - رضی الله عنهم - قرار داده اند و زنان پیامبر را جزو اهل بیت نمی دانند، و در آخر برادر عزیز می خواهیم در مورد فرموده رسول الله سندی بیاورید. والسلام

برادر سید عباس::

سلام علیکم

جناب غریب ما از شما تقاضا کردیم بیاید عقاید خود را برای ما اثبات کنید، شما فرمودید کتاب الله و سنتی، لذا ما شما را به مناظره خواندیم تا این فرمایش خود را برای ما ثابت کنید که این عقیده را از کجا آورده اید و از کجا می خواهید ثابت کنید و الان هم متمسک به مطالبی شده اید که ارتباطی با موضوع ندارد اما حقیر آنها را نقد می کنم

ادله و برهان شما به لحاظ دلالتی قابل مناقشه هست بلکه به از منظر قران و سنت نیز بی اساس هست، دوست عزیز اهل بیت یعنی یک خانواده اما پیغمبر دارای چندین همسر بوده است لذا اگر منظور پیغمبر همسرانش بوده باشد باید می فرمود اهل بیوت، این ادعای ما را هم قران ثابت می کند زیرا در آیات قبل و بعد تطهیر می فرماید قرن فی بیوتکن، و همچنین یتلی بیوتکن لیکن همان طور که مشاهده نمودید قران هم وقتی در مورد ازواج النبی سخن می گوید از لفظ بیوت استعمال می کند و نه بیت مضاف بر اینکه باز هم این ادعای ما را سنت اثبات می کند که ما این موضوع را مفصلا در لینک زیر پاسخ گفته ایم اما یک اشاره کوچکی به آن می کنید، در صحیح مسلم که اصح الکتب بعد کتاب الله نزد اهل سنت هست عایشه می گوید پیغمبر مولا علی ع و حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا س و حسنین علیهما سلام اجمعین را در زیر عبا خود جمع کرد و ایه تطهیر نازل شد حال آنکه عایشه در زیر این عبا نبوده و خودش هم چنین ادعایی را نکرده و تفضیل انرا از لینک زیر جویا باشید

<http://kheyeme133.ir/Forum/Post/2288>

و علاوه بر این علمای اهل سنت مانند علامه الوسی نیز معتقد هستند که ازواج النبی در حدیث ثقلین وارد نیستند

وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ ظَاهِرَ مَا صَحَّ مِنْ قَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنِّي تَارِكُ فَيْكُمُ خَلِيفَتَيْنِ وَفِي رِوَايَةٍ ثَقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَعَتْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ يَقْتَضِي أَنَّ النِّسَاءَ الْمُطَهَّرَاتِ غَيْرِ دَاخِلَاتٍ فِي أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ هُمْ أَحَدُ الثَّقَلَيْنِ لِأَنَّ عَتْرَةَ الرَّجُلِ كَمَا فِي الصَّحَاحِ نَسْلُهُ وَرَهْطُهُ الْأَدْنُونَ ...

تو می دانی که حدیث صحیح پیامبر خدا(ص) که فرمود: «إِنِّي تَارِكُ فَيْكُمُ خَلِيفَتَيْنِ...» اقتضا دارد که همسران پاک داخل اهل بیته نباشند که یکی از ثقلین قرار گرفت. زیرا عترت مرد همانگونه که در کتاب صحاح (جوهری) وارد شد، نسل و گروه نزدیک او می باشند

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ۲۲، ص ۱۶، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت ▪

و همچنین امام نووی می گوید :

و اما قوله فی الروایة الاخری نساؤه من أهل بيته ولكن أهل بيته من حرم الصدقة قال وفي الرواية الاخری فقلنا من أهل بيته نساؤه قال لا فهاتان الروایتان ظاهرهما التناقض والمعروف فی معظم الروایات فی غیر مسلم انه قال نساؤه لسن من أهل بيته فتأول الرواية الاولى على ان المراد انهن من أهل بيته الذين يساكنونه ... فنساؤه داخلات فی هذا كله ولا يدخلن فيمن حرم الصدقة

"زید بن ارقم در روایت قبلی گفت: "زنان پیامبر جزء اهل بیت ایشان هستند و لكن اهل بیت ایشان کسرانی هستند که صدقه بر آنها حرام است. و در این روایت گفت: زنان حضرت از مصادیق اهل بیت ایشان نیستند. این دو نقل ظاهرا با هم تعارض دارند، ولی آنچه که معروف است و در اکثر روایات ما غیر از روایات صحیح مسلم، آمده است این است که زنان حضرت از مصادیق اهل بیت نیستند، بنابراین توجیه روایت اول که گفت: زنان پیامبر جزء اهل بیت ایشان هستند این گونه می شود: که زنان پیامبر از مصادیق اهل بیتی هستند که پیامبر آنها را مسکن و مأوا داده ... پس زنان پیامبرص، کلا داخل این هستند ولی از مصادیق اهل بیتی که صدقه بر آنها حرام شده است نیستند ▪

صحیح مسلم شرح نووی ج ۱۵ ص ۱۸۰

پس تا اینجا ما ثابت کردیم از منظر عقل، قران و سنت و علما ازواج النبی داخل به حدیث ثقلین نیستند توجیه شما برای این اقرارها چیست؟

دوما نتنها ما بلکه پیغمبر، خدا، و ازواج نبی و علمای شما این ایه را مختص خمسه طیه می دانند

ما مجددا سوالمان را مطرح میکنیم، شما فرمودید بعد از پیغمبر باید به سنت و قران رجوع کنید

این روایت را از کجا آورده اید؟

خواهشا مصادر انرا برایمان بیان کنید

جناب غریب::

وعلیکم السلام

قبلن هم خدمت شما عرض کردم که اگر دنبال پاسخ هستید اینک که برای شما گذاشتم مراجعه کنید پیدا کنید. ۲ شما فرمودید (صحیح مسلم که اصح الکتب بعد کتاب الله نزد اهل سنت هست) اشتباه نکنید بعد از قرآن صحیح البخاری است ۳ من نمی دانم کدام وهابی را می گوید اصلا وهابیت وجود دارد شما فرمائید تو عربستان یا هرکشور اسلامی فردی وجود دارد بگوید من وهابی هستم.

برادر سید عباس::

با تشکر از برادر غریب -----

دوست گرامی

شما در وحله اول قرار بود عقاید خودتان در مورد حدیث سنت و کتاب را مطرح کنید که همچنان ما منتظر پاسخ هستیم اما هنوز پاسخی در مورد روایت کتاب الله و سنتی مطرح نکرده اید، و ما همچنان منتظر هستیم در این مورد پاسخ گو باشید

لینک شما ارتباطی با سوال ما نداشته، دوما سوال ما واضح بوده اگر قرا به لینک هست من هم هزار لینک به شما می دهم بروید بخوانید، شما اعایی کرده اید که باید انرا ثابت کمینید که تا کنون هم ثابت نکرده اید اما در مورد اصح الکتب، دوست عزیز این مطالب شما یعنی اینکه اصلا خبر از حقیقت اهل سنت و حقیقت کتب خود هم ندارید زیرا اجماع علمای شما هست این دو کتب بعد از قران برترین کتب هستند، ما از شما تقاضا داریم اگر مطلبی را نمی دانید یا از علما پرسید و یا تحقیق کنید زیرا شما سخنانی را افاضه می کنید که با مبانی اهل سنت در تضاد هست و این ابروی اهل سنت را هم خواهد برد برادر عزیزم

اتفق العلماء رحمهم الله على أن أصح الكتب بعد القرآن العزيز الصحيحان البخاري ومسلم وتلقتهما الامّة بالقبول وكتاب البخاري أصحهما وأكثرهما فوائد ومعارف ظاهرة وغامضة

علماء اتفاق نظر دارند که صحیح ترین کتابها پس از قرآن کریم، صحیح بخاری و مسلم است. و امت اسلامی این مطلب را قبول دارند و کتاب بخاری صحیح ترین آن دو تا و دارای بیشترین فوائد و معارف ظاهر و پیچیده است .

النووی الشافعی، محیی الدین أبو زکریا یحیی بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفای ۶۷۶ هـ)، شرح النووی علی صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۴، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، الطبعة الثانية، ۱۳۹۲ هـ .
در مورد وهابی هم بلکه عزیزم، هم علمای شما تصریح بر وهابیت داشته اند و هم علمای وهابیت به لینک های زی مراجعه کنید

<http://kheyime133.ir/Forum/Post/2288>

<http://kheyime133.ir/Forum/Post/1854>

<http://kheyime133.ir/Forum/Post/1881>

<http://kheyime133.ir/Forum/Post/1882>

<http://kheyime133.ir/Forum/Post/1996>

<http://kheyime133.ir/Forum/Post/2011>

<http://kheyime133.ir/Forum/Post/2238>

اما هیچ کسی نیست که مفتی اعظم عربستان یعنی بن باز را نشناسد البته او مردم ولی از او در مورد وهابیت سوال کردند :::::

از بن باز سوال کردند :::::

يقول السائل: فضيلة الشيخ، يسمي بعض الناس عندنا العلماء في المملكة العربية السعودية

بالوهابية فهل ترضون بهذه التسمية؟ وما هو الرد على من يسميكم بهذا الاسم؟

سوال کننده: جناب شيخ بعضی از مردم علمای عربستان سعودی را وهابی مینامند ، از این نام

گذاری خوشحال هستید؟

پاسخ بن باز :::::

الوهابية منسوبة إلى الشيخ الإمام محمد بن عبد الوهاب رحمه الله المتوفى

سنة ١٢٠٦ هـ، وهو الذي قام بالدعوة إلى الله سبحانه في نجد

ترجمه :

وهابيه منسوب هستند به محمد ابن عبد الوهاب که در سال ١٢٠٦ فوت شده و او کسی است

که قیام کرد تا مردم نجد را به سوی خداوند سبحان دعوت کند !!!!

برادر امیدوارم حداقل به این واقعیت پی برده باشید که فرقه ضاله ای بنام وهابیت وجود دارد و

این های پیروان شخصی به نام عبد الوهابیت هستند

دوست عزیزم جناب غریب مطالب شما ارتباطی به سوال ما ندارد من نمی دانم اینکه وهابیت که

هست و چه هست چه ارتباطی با ادعا شما دارد اما برای اینکه به حقیقت پی ببرید حقیر پاسخ

شما در این مورد را هم دادم که بدانیم فرقه ای بنام وهابیت هم وجود دارد

جناب غریب::

وهابیت در قرن دوم هجری قمری توسط شخصی بنام عبدالوهاب بن عبدالرحمن بن رستم خوارجی اَبَاضی

در شمال آفریقا و اندلس ظهور کرد، این شخص گروهی را تشکیل داد که آنرا مسمی به وهابی نمودند، خود

و پیروانش عقاید مزخرفی داشتند، خیلی از احکام دینی را زیر پا نموده و لغو کردند، این گروه با اهل سنت

تفاوت داشتند، از آنجائیکه این گروه از آفریقا پا فراتر نگذاشت، بناءً این مطالب را می توان از کتب تاریخ اهل

مغرب جستجو نمود، بعنوان مثال: «١- الفرق الإسلامية في شمال أفريقيا» «صفحة ٢٥٠» ٢- تاریخ شمال

آفریقا - جلد ٢ صفحات ٤٠ الی ٥٠ - ٣ - المغرب الكبير، العصر العباسی «٤/ ٥٥١ و ٥٥٢». به هر حال، این

اساس و بنیاد این گروه ضالّه می باشد در جامعه ما وهابیت را بسوی شیخ محمد بن عبدالوهاب - رحمه الله -

إرجاع می نمایند، در حالیکه اگر اندکی تأمل صورت گیرد، دانسته خواهد شد که این یک افتراء محض

است؛ خلاصه اینکه این نام گذاری بر اساس سلیقه های شخصی صورت می گیرد، یعنی اینکه هر کس بر

اساس آرزوها و امیال این مردم رفتار نکند او را وهابی می گویند این گروه ها بر مبنای شناخت درست در حرکت نیستند بلکه بر اساس ظن، گمان و خواهشات نفسانی خودشان در حرکت اند. کسانی که واژه (وهابیت) را بر علیه دیگران بکار می بندند و به هر کس که دلشان خواست خطاب می کنند، به چند دسته تقسیم می شوند: ۱- دشمنان اسلام که در واقع شایع کنند؟ این نام و نشان هستند .

۲- این گروه را بعضی از مردمی تشکیل می دهند که فاصله گرفته از قرآن و سنت هستند، این گروه باید تجدید نظر نموده و به قرآن و سنت مراجعه نمایند .

۳- گروه سوم را کسانی تشکیل می دهند که مغرض اند و بخاطر منافع شخصی خود، و به منظور ریختن آبروی یک مسلمان این کار را انجام می دهند، این گروه باید از خداوند - جل جلاله - بترسند و در فکر ریختن آبروی برادر مسلمان شان نباشند .

۴- این گروه کسانی اند که بخاطر بخل و حسادتی که به پیشرفت دینی یک شخص دارند، بمنظور خدشه دار کردن آن شخص و به علت اشباع نمودن خواهشات نفسانی خود متوسل به این کار می شوند، این گروه باید بدانند که عزت و ذلت از جانب خداوند - جل جلاله - است، کسی را که خداوند - جل جلاله - عزت دهد کسی نمی تواند او را ذلت دهد، و کسی را که الله - جل جلاله - ذلیل سازد کسی نیست که او را عزت دهد، پس انجام دادن این عمل نه تنها اینکه مؤثر نیست بلکه انجام دهند؟ این کار در دنیا و آخرت خوار و ذلیل است. } (اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)) [آل عمران: ۲۶]. «بگو (ای پیامبر): بارالها! ای دارنده پادشاهی (و هستی) به هر کس که بخواهی، پادشاهی (و فرمانروایی) می بخشی، و از هر کس بخواهی پادشاهی (و فرمانروایی) را می گیری، و هر کس را بخواهی عزت می دهی، و هر که بخواهی خوار می کنی، همه خوبیها به دست توست، بی شک تو بر هر چیز توانایی». این گروه اشخاصی اند که از خود چیزی ندارند بلکه از دهان دیگران صحبت می کنند هر کس به آنها چیزی بگوید بدون فکر آن را قبول نموده و آن را پیش دیگران نقل قول می کند. این گروه نیز باید بکوشند که مستقل باشند و یا حد اقل سخنان هر کس را بدون تحقیق قبول نکنند .

برادر سید عباس::

برادر غریب بنده به گمانم فارسی سخن می گویم درست هست برادرم؟

بنده نه از شما خواستم برایم صحبت از اباضیه و خوارج کنید و نه از وهابیت، برادر بنده فارسی حرف می

زنم و صریح و شیوا می گویم از اعتقادات خود دفاع کنید

شما تا همین چند ساعت پیش مدعی بودید وهابیتی وجود ندارد و الان برای ما سخنران و نظریه پرداز فرقه وهابیت شده اید؟

دوست عزیز از کتاب الله و سنتی که می گوید دفاع کنید

جناب غریب فرقه وهابیت برای قرن ۱۹ میلادی و قرن ۱۲ قمری هساتند، ما در قرن دوم هجری فرقه ای

به نام وهابیت نداریم شما این مطالب خنده دار را از کجا آورده اید؟

اباضیه از فرقه های خوارج هستند و نه وهابیت، وهابیت فرقه ای هست منصوب به محمد بن عبدالوهاب که

بنده در صحبت های قبلی ام مفصلا برای شما سخن گفت ام،

خواهشا از موضوع اصلی فرار نکنید و پاسخ گو باشید، ما نیامده ایم در مورد تاریخ چه وهابیت سخن بگویم

گرچه اگر علاقه دارید در این زمینه هم حاضر به گفته گو هستیم آنچه که علمای اهل سنت در مورد وهابیت

گفته اند این هست که آنها منصوب به محمد بن عبدالوهاب هستند و کتب آورده شما هم فاقد ارزش هست

زیرا کتب تعریف شده و معتبری نزد فریقین نمی باشد

پاسخ گو باشیم، چرا شما می گوید کتاب الله و سنت حال آنکه رسول الله فرموده اند کتاب الله و عترتی

جناب غریب::

ترکت فیکم شیئین لن تضلوا بعدهما : کتاب الله و سنتی و لن يتفرقا حتی یردا علی الحوض . تخریح

السیوطی (المستدرک للحاکم النیشابوری) عن أبي هريرة . تحقیق الألبانی (صحیح) انظر حدیث رقم :

۲۹۳۷ فی صحیح الجامع .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ

وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ { النساء: ۵۹} این آیه ی قران کریم است.

برادر سید عباس::

سلام علیکم

بارک الله فیکم

قلت(خیمه گاه اباالفضل(ع)): یا شیخ هذه الحدیث موضوع عند الرجالیون اهل سنه و الجماعه لیکن لیس

بحجه،

هذا الحدیث تخریح المستدرک و قال امام المحدثین حاکم نیشابوری صاحب المستدرک هذا الحدیث غریب

دوست عزیزم بنده قبلا این حدیث را برای شما آورده ام، این حدیث تخریح شده از کتاب مستدرک حاکم

هست و من از شما ممنون هستم که مطلب شیخ البانی را بدون قیچی آوردید، همان گونه که خود شیخ

البانی تصریح دارد این حدیث را از کتاب مستدرک امام حاکم اخذ نموده حال آنکه خود امام حاکم وقتی به

همین حدیث خودش می رسد می گوید :

و ذکر الإعتصام بالسنة فی هذه الخطبة غریب .

ذکر تمسک جستن به سنت در این خطبه، غریب و ناآشناست .

المستدرک علی الصحیحین للحاکم النیشابوری، ج ۱، ص ۹۳

همان گونه که فرمودید این روایت متصل به ابوهریره هست و بزرگان دیگر اهل سنت نیز انرا تضعیف نموده

اند :

جناب متقی ہندی در کنز العمال، جلد ۱، صفحہ ۱۸۷، حدیث ۹۹۵ وقتی حدیث « کتاب اللہ و سنتی » را نقل می کند، می گوید :

غریب جدا عن أبي هريره .

این روایت ابو هریره جدا روایت غریبی و نا آشنا هست

جناب ابو منذر صامی در الزهره العتره فی حدیث العتره، صفحہ ۴، نشر دار الفقیه مصر می گوید :
فلا یصح من هذه الأحادیث فی الإعتصام بالسنة مع الكتاب حدیث بنفسه و لا بغيره و إن ذلك غریب كما ذكره الحاكم .

در مورد حدیث کتاب اللہ و سنتی، نه یک حدیث صحیحی وجود دارد که به آن اعتماد کنیم و نه به خاطر روایات دیگر می توانیم آن را تصحیح کنیم . . .

یعنی نه خود این حدیث صحیح است و نه با پشتوانه روایات دیگر می توانیم آن را صحیح بدانیم .
از همه مهمتر، آقای حسن سقاف، از علماء بزرگ اردن و از استوانه های علمی اهل سنت معاصر اردن، می گوید :

و أما حدیث «ترکت فیکم ما إن تمسکتُم بهما لن تضلوا بعدی أبدا کتاب اللہ و سنتی» الذی یردده الناس فیما بینهم و یقوله الخطباء علی المنابر، فحدیث موضوع مکذوب، وضعه الأمویون و أتباعهم لیصرفوا الناس عن هذا الحدیث الصحیح فی العتره، فانتبه لذلك جدا!! و قد ذكرت جمیع طرقه و بینت ما فی أسانیده من الکذابین و الوضاعین فی آخر کتابی» صحیح صفة صلاة النبی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم «ص ۲۸۹ .

این حدیث « کتاب اللہ و سنتی » که مردم بین خودشان ذکر می کنند و خطیبان هم بر بالای منابر این حدیث را می گویند، حدیثی جعلی و دروغین است و امویون و پیروان شان آن را جعل کرده اند تا مردم را از حدیث صحیح « کتاب اللہ و عترتی » منصرف کنند. پس جداً در این مورد متوجه و آگاه باش !

صحیح شرح العقیده الطحاویة لحسن بن علی السقاف، ص ۱۷۸

شایع باز هم برای شما جای شک و شبهه ای باشد لذا حقیر متن اصلی با سلسله روات ان را از سایت وهابیون برایتان تخریح گرفته ام تا با باطل بودن این حدیث بیشتر آشنا شوید
بر روی لینک زیر کلیک کنید

http://library.islamweb.net/hadith/display_hbook.php?bk_no=708&hid=167&pid=350555

این روایت دارای سلسله روات به شرح ذلی می باشد که حدیثی مرفوع و متصل به ابوهریره می باشد
(حدیث مرفوع) أنا أَبُو طَالِبٍ ، مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ غَيْلَانَ الْبَزَّازِ ، نا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ
بْنِ إِبْرَاهِيمَ الشَّافِعِيِّ ، نا أَبُو قَيْصَةَ ، مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَمَّارَةَ بْنِ الْقَعْقَاعِ بْنِ شُبْرَمَةَ الضَّبِّيِّ ،
نا دَاوُدُ بْنُ عَمْرٍو ، نا صَالِحُ بْنُ مُوسَى الطَّلْحِيِّ ، عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ رُقَيْعٍ ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ ، عَنْ أَبِي
هُرَيْرَةَ ،

همان طور که مشاهده نمودید در این روایت شخصی هست به نام صالح که در همان سایت وهابیت هم روی
ان کلیک کنید جزئیات رجالی او را به شما نشان می دهد که لینک ان به شرح ذیل می باشد

<http://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=3897>

در جزئیات ان نوشته متروک یعنی روایات او باید ترک شود و این راوی دارای جرح هست ان هم از نوع
مفسر یعی روایت به شدت باطل هست حالا شما جزئیات این روات را مستقیما از بزرگان اهل سنت ببینید
چیست

أبو نعيم الأصبهانی متروک، یروی المناکیر

أحمد بن حنبل ما أدري، كأنه لم يرضه

أحمد بن شعيب النسائي متروک الحديث

إبراهيم بن يعقوب الجوزجاني ضعيف الحديث على حسنه

ابن حجر العسقلاني متروک الحديث

الدارقطني ضعيف، ولا يحتج بحديثه

الذهبي واه ، واه از مصطلحات رجالی هست یعنی بشدت ضعيف هست

محمد بن إسماعيل البخاري منكر الحديث

یحیی بن معین لیس بشیء، و مره: لا یکتب حدیثه، و مره: لیس بثقه یحی بن معین هم می گوید
اصلا این ادم بحساب نمی اید و اهل حدیث نبوده و توثیقی ندارد و علمای اهل سنت گفته اند اگر
یحیی بن معین کسی را رد کند دیگر نیازی به دیگران نیست

ببینید برادرم این روایت شما کلکسیونی از ضعف و جرح دارد و روایت و روات شما به شدت ضعیف و باطل
هست و اصلا قابل احتجاج نیست ضمن اینکه البانی از کسی روایت را تخریح می کند که خود صاحب کتاب
می گوید ضعیف هست

برادر غریب، من مدت ها پیش همه این راه همه را رفته ام و جای تقلا برای ادعا و اثبات چیزی ندارد لذا از
شما خواهش مندیم به روایت صحیح رجوع کنید گرچه که روایت صحیح در مورد کتاب الله و سنت وجود

ندارد اما ما می خواهیم عرصه تحقیق برای شما مفتوح بشود تا با دل و قلبی راسخ ایمان بیاورید که این روایت ضعیف هست و یادتان باشد ما نمی خواهیم شما را شیعه کنیم فقط هدفان بحث علمی هست تا ما با واقعیت روشن شویم و شما در انتخاب حقیقت مختارید

ایدیکم الله

قابل توجه برادر عزیزم غریب :

برادر روایت کتاب الله و سنتی تاب و توانی در مقابل روایت هزار درصد صحیح و متواتر کتاب الله و عترتی ندارد پیشنهاد می کنید تاپیک زیر را بخوانید

<http://kheyime133.ir/Forum/Post/2336>

نکته دوم علمای شما تصریح داشته اند کتاب الله و عترتی متواتر هست

شیخ ابومنذر سامی بن انور مصری درباره تواتر حدیث ثقلین می نویسد :

فحدیث العتره بعد ثبوته من أكثر من ثلاثین طریفاً وعن سبعة من صحابه سیدنا رسول الله صلی

الله علیه وآله ورضی الله عنهم، وصحته التي لا مجال للشك فيها يمكننا أن نقول أنه بلغ حد

التواتر

حدیث عترت بعد از ثبوت آن بیش از سی طریق آن را روایت نموده اند که هفت تن از صحابه

رسول خدا صلی الله علیه وآله در طریق آن قرار دارند و از این رو صحت این روایت هیچ جای

شک ندارد به حدی که می توان گفت این روایات به تواتر رسیده است

أبو المنذر سامی بن أنور خلیل جاهین المصری الشافعی، الزهره العطره فی حدیث العتره، ص ۶۹-

۷۰، الناشر: دار الفقیه - مصر

والحدیث وارد عن جماعة يفوقون العشرين بل أصله متواتر

الزهره العطره فی حدیث العتره ص ۶۹

ورواياته مع شواهد متواتره معنی

البدر طالع للشوکانی - ج ۱ - ص ۲۸۸

همان طور که مستحضر هستید ابن تیمیه گفته است انکار تواتر موجبات کفر را فراهم می نماید:

من انکر ما ثبت بالتواتر و الاجماع فهو کافر

و من الله توفیق